

به نام خدا

عنوان مقاله: آزادی بیان، مفهوم آن و ارتباط آن با کپی رایت

پدیدآور: پریسا حبیب زاده

چکیده: یکی از انواع آزادی، آزادی بیان است، بحث آزادی بیان یکی از بحث انگیزترین موضوعات جوامع بشری در دنیای معاصر است زیرا این مقوله به دلیل ماهیت خاصی که دارد، از طرفی جزء مهمترین حقوق اساسی افراد در جوامع بوده و از سوی دیگر: همواره با منافع ارباب قدرت و دیدگاه های اقتدارگرایانه به نحوی در تعارض بوده است.

در مقاله حاضر ضمن تعریف مختصر از آزادی بیان درباره مفهوم آزادی بیان، آزادی بیان در قرآن بحث می‌شود. آزادی بیان معقول، عناصر آزادی بیان، ابزار و محتوای بیان و نیز ارتباط میان کپی رایت و آزادی بیان، از مباحث دیگر این مقاله است.

کلیدواژه ها: آزادی بیان

مقدمه: آزادی بیان یعنی آزادی اندیشه و عقیده؛ به مفهوم دیگر آزادی بیان ابزاری است برای رساندن اندیشه و عقیده‌ای به دیگران. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در «بیان عقیده» آزاد و از ترس فارغ باشند، به عنوان بالاترین آرمان بشری اعلام شده است.

آزادی بیان معیاری اساسی برای هر نوع جامعه چند صدایی و دموکراتیک است. نقض این آزادی همواره به نابودی سایر موازین حقوق بشر منجر می‌شود. مقصود اصلی‌ترین استدلال‌های طرفداران آزادی بیان این است که نشان دهند که (۱) آزادی بیان برای جستجوی حقیقت ضروری است (۲) آزادی بیان از اجزای اصلی دموکراسی است (۳) آزادی بیان رابطه حیاتی با کرامت انسانی داشته و نقش عمده‌ای در بهبود سطح زندگی بشر بازی می‌کند.

تعریف آزادی بیان: می‌توان آزادی بیان را این گونه تعریف کرد: «آزادی بیان حق طبیعی است که همه افراد آدمی به مقتضای انسان بودن خود، به طور یکسانی از آن برخوردار و به موجب آن در بیان اندیشه و فکر خود، تا جایی که موجب نقض حقوق دیگران و اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود، مجازند.»

بر اساس این تعریف، اولاً: آزادی بیان یک حق طبیعی برای همه افراد انسان است و ثانیاً همه افراد به طور یکسان از آن برخوردارند که می‌توانند اندیشه و فکر خود را ابراز کنند و ثالثاً محدود به دو چیز است اول: موجب نقض حقوق دیگران نشود. دوم: موجب نقض اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود.

برخی گفته‌اند: آزادی بیان به این معناست که افراد گذشته از این که به خاطر دانستن عقیده مخالف، چه در امور دینی و چه در امور سیاسی نباید تحت پیگرد قرار گیرند. بلکه باید بتوانند در عمل عقیده

خود را ابراز نمایند و برای اثبات و احیاناً به دست آوردن همفکران دیگر درباره آن تبلیغ کنند. مبنای این تلقی از آزادی بیان آن است که تعارض افکار از نظر علمی و سیاسی موجب رشد علم و افکار مردم است و می تواند منافع زیادی برای جامعه دربر داشته باشد چنان که سلب این آزادی موجب رکود افکار و علوم بشری است و در نتیجه سبب اختلال حرکت تکاملی جامعه و افراد می گردد.

مفهوم آزادی بیان: هنگامی که آدمی به قوه عقل و ادراک خویش ایمان آورد و عقل و ادراک هر انسانی به خودی خود محترم و ارزشمند محسوب گردد، به دنبال آن باید این حق را برای هر یک از افراد جامعه، شناسایی نمود، که فارغ از هر گونه ترس، هراس و یا ترغیب، تحریک و تهدیدی بتواند اندیشه و نظری را برگزیند، در زندگی خویش به آن پایبند باشد و حتی در جهت اشاعه، توجیه و مقبول عامه ساختن آن بکوشد و در این راه حقوق و آزادی های آنان محترم شمرده شود که از آن در اسناد حقوق بشری متعددی تحت عنوان «حق آزادی بیان» یاد شده است.

این حق، به عنوان حقی چند وجهی است که در برگیرنده چیزی بیش از صرف آزادی ابراز با انتشار اطلاعات و نظرات است و شامل حق بر جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و نظرات، بدون توجه به مداخله مقامات عمومی و همچنین بدون توجه به مرزهای سرزمینی نیز می شود. آزادی بیان نه تنها اصل عقاید و اطلاعات بیان شده، بلکه شکل و شیوه ای که این موارد در آن نقل می شود را مورد حمایت قرار می دهد. پس در این حق، علاوه بر مفهوم و مضمون، شکل ارائه مطالب و بیانات نیز

اهمیت خاصی می یابد و انواع هنرها، نقاشی ها، کتب، فیلم ها، مصاحبه های رادیویی و تلویزیونی، مقالات و ... نیز گونه ای از ابراز عقیده و بیان محسوب می گردند. هنگامی که افراد حق آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اندیشه ها و عقایدشان را نداشته باشند، قادر به انتفاع از دیگر حقوق شان نخواهند بود به همین سبب به این حق، به عنوان خاستگاه تمام حقوق دیگر بشری و آزادی های دموکراتیک، نگریسته می شود.

با توجه به این که زبان نه تنها کلام آفرین بلکه اندیشه ساز نیز است در نتیجه با سانسور ابراز بیان، نه تنها مانع انتقال اندیشه ها، بلکه همچنین اصولا امکان اندیشیدن فراتر از قالب های زبانی موجود، گرفته میشود؛ بدین معنا که انسان ها نه تنها شهامت انتقال مفاهیم و اندیشه های موجود در صندوقچه ذهن خود را ندارند، بلکه اساسا نمی توانند در فضای امتناع تعامل اجتماعی - زبانی، به معانی، مفاهیم و اندیشه های تازه دست یابند و فقدان هر کلمه ای به معنای عدم وجود تصور یک معنا و مفهوم و بالمال، نبود اندیشه است. آزادی بیان، حقوق انسان ها را در زمینه ابراز عقاید و اندیشه ها بدون هراس از تعقیب، مجازات و بازداشت، تضمین می نماید.

منتسکیو درباره آزادی بیان اظهار می دارد: «از آنجایی که برخورداری از آزادی و حق حفظ و حراست از آن، در این است که افراد در بیان افکار خود، مختار باشند و احساسات خود را آزادانه بیان نمایند. اتباع دولت آزاد، می توانند هر آنچه را که قوانین منع کرده بگویند و بنویسند. هیچ چیز

ظالمانه تر از آن نیست که مردم را به جرم بیانات بی ملاحظه شان به خیانت محکوم کنیم زیرا گفته های مردم را می توان به انواع مختلف تعبیر و تفسیر کرد. قانون در صورتی می تواند کسی را به خاطر بیان مطالب به کیفرهای سنگین محکوم کند که کیفیت بیانات مجرم صراحت مقصود مجرمانه داشته باشند.»

اهمیت این آزادی همچنین توسط دادگاه ها و نهادهای دیگر انعکاس یافته است. کمیته حقوق بشر سازمان ملل بیان نموده است: «حق آزادی بیان از والاترین اهمیت در هر جامعه دموکراتیک برخوردار است. دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز نقش حیاتی آزادی بیان را به عنوان زیربنای دموکراسی به رسمیت شناخته است و بیان می دارد: «آزادی بیان که یکی از بنیان های اساسی هر جامعه دموکراتیک را تشکیل می دهد، یکی از شرایط اصلی برای توسعه جامعه و پیشرفت هر فرد انسانی است.»

آزادی بیان در قرآن: در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که دلالت بر آزادی بیان خصوصاً لزوم

بیان حق می کند که به چند نمونه آن اشاره می شود:

۱- «یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتُمون الحق و انتم تعلمون» ای اهل کتاب، چرا حق را

به باطل می پوشانید و حق را کتمان می کنید در حالی که شما می دانید، و در آیه دیگری فرمود:

۲- «انّ الذی یکتُمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد بیناه للناس فی الکتاب اولئک لعنهم اللّٰه و یلعنهم اللّاعنون» ؛ کسانی که کتمان می کنند آن دلایل آشکار و هدایت را که فرستادیم بعد از آن که آنها را برای مردم آشکار کردیم، آنان هستند که خدای سبحان بر آنان لعنت می کند و لعنت کنندگان نیز به آنان لعنت می فرستند.

از این آیات استفاده می شود که اظهار حق لازم و کتمان و مخفی کردن آن ناروا است.

۳- در برخی آیات، بیان حق را لازم دانسته و فرمود: «و ذکر فانّ الذکری تنفع المؤمنین» تذکر بده چون یاد آوری و تذکر دادن برای مؤمنان سودمند است.

۴- و در سوره زمر فرمود: «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذی هدیهم اللّٰه و اولئک هو اولوالالباب» بشارت ده به آنان که سخن را می شنوند و از بهترین آن پیروی می نمایند، اینان، کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده و اینان همان خردمندانند از این آیه استفاده می شود، که انتخاب و پیروی بهترین گفتار در جایی ممکن است که آزادی بیان و گفتار وجود داشته باشد تا در مقایسه با یکدیگر بهترین سخنان مشخص و پیروی گردد.

آزادی بیان معقول: آزادی بیان معقول آن آزادی است که مطابق اصول و قوانین مفید انسانی باشد، نه آن که هر چیزی را که دلخواه باشد می توان با هر شکلی از سخن بیان کرد از این رو می توان مواردی از آزادی معقول را به این صورت بیان کرد!

۱- در میدان علوم مربوط به جهان طبیعت مانند جمادات، نباتات و گیاهان، حیوانات و جانوران و همه موضوعاتی که در عرصه طبیعت، ابعاد مادی دارند و دانشمندان در همان ابعاد مادی آن‌ها دست به کار می‌شوند، هرگونه اندیشه و عقیده و بیان با تذکر به کیفیت شناخت که آیا قطعی است یا ظنی است یا احتمالی، آزاد است و می‌توان بدون هیچگونه محدودیت به تجزیه و تحلیل واقعیت‌های مادی عالم همت گماشت.

۲- در میدان علوم انسانی و هستی‌شناسی کلی که مستقیم یا غیر مستقیم در تفسیر انسان در دو قلمرو «آن چنان که هست و آن چنان که باید» تأثیر می‌گذارد نظارت و تحقیق انسان‌های آگاه و متخصص و عادل ضرورت دارد و به عبارت دیگر در میدان علوم انسانی و هستی‌شناسی رعایت سه شرط آگاهی، تخصص و عدالت لازم است.

زیرا اشخاصی که حق تبیین سرنوشت یک اندیشه را در اختیار دارند چه بسا که حق تعیین سرنوشت فکری و عقیدتی و به طور کلی سرنوشت بعد معنوی حیات را که ملاک تکامل است در اختیار دارند، از این رو اگر این اشخاص از اصول و محیط به اندیشه مورد تحقیق آگاه باشند و فقط میدان محدود خود همان نظریه را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهند. ممکن است آن اندیشه نوظهور را مردود شمارند و به عبارت دیگر: شرط آگاهی برای این است که بررسی و تحقیق کنندگان با اشراف و احاطه فراگیرتر درباره آن اندیشه تلاش کنند. از باب مثال، ممکن است برای شناخت صحیح یک

قاعده حقوقی گذار محقق راستین به مسائلی از فرهنگ و روان شناسی و علوم سیاسی بیفتد که اگر حقوق دان از آن مسائل آگاهی نداشته باشد و بگوید: من درباره یک قاعده حقوقی تحقیق می کنم و نیازی به آگاهی های فرهنگی و روان شناسی و سیاسی ندارم، از فهم آن قاعده حقوقی ناتوان بماند. اما لزوم شرط تخصص برای آن است که شخص غیر متخصص، نسبت به اندیشه نوظهور بیگانه است. از این رو سخنانی را مطرح می کند که فاقد اعتبار و ارزش است.

اما لزوم شرط عدالت که منشأ آن احساس تعهد است، آن است که اگر عدالت نباشد اولاً در هر اندیشه نوظهوری اظهار نظر می کند اگرچه شایستگی آن را نداشته باشد و ثانیاً اگر محقق غیر عادل، اندیشه نوظهوری را محکوم کند با این که در واقع صحیح بوده است به صاحب اندیشه و جامعه خیانت کرده است و اگر اندیشه باطلی را تصدیق نماید، به جامعه خیانت کرده است.

به هر حال انسان باید بداند، ابزار و بیان واقعیات مفید به حال بشر، چه در قلمرو مادی و چه در قلمرو معنوی، نه تنها آزاد است، بلکه کسی که اطلاعی از واقعیات و حقایق داشته باشد و قدرت بیان و تبلیغ آن ها را در خود احساس کند و در عین حال، ساکت بماند و مردم را از دریافت آن حقایق و واقعیات محروم سازد، هم در دنیا و هم در آخرت مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.

عناصر حق آزادی بیان: حق آزادی بیان را می توان حقی مرکب دانست که از چند حق تشکیل شده است. این حق ها که عناصر سازنده آزادی بیان هستند در مجموع به دو دسته تقسیم می شوند.

دسته اول حق ها و عناصری هستند که مقدمه حق هسته ای آزادی بیان می باشند یا در پیرامون آن جای گرفته اند و هدف آن ها را می توان معنادار ساختن حق اصلی دانست. دسته دوم عناصری است که به خود آزادی بیان مربوط می شود. ما در اینجا از دسته اول به حق های پیرامونی و از دسته دوم به حق هسته ای تعبیر می کنیم. حق هسته ای همان حق بیان و انتقال اندیشه و اطلاعات است. براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سه عنصر را می توان به منزله حق های پیرامونی آزادی بیان دانست: حق داشتن نظرات و عقاید؛ حق جستجوی اندیشه ها و اطلاعات؛ و حق دریافت اطلاعات و اندیشه ها.

ابزار و محتوای بیان: حق آزادی بیان شامل «بیان» در هر شکل و با هر محتوا می شود. بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به این نکته تصریح می کند. بیان اطلاعات و اندیشه ها از هر نوع و در هر قالبی مورد حمایت قرار گرفته است. در این بند به بیان شفاهی، مکتوب یا چاپی، هنری یا از طریق رسانه به انتخاب فرد اشاره شده است. اشکال و ابزار بیان را می توان به صور مختلف تقسیم بندی کرد. به طور کلی هر ابزاری که بتواند وسیله انتقال اندیشه و نظر به مخاطب باشد، ابزار بیان محسوب می گردد. در این تقسیم بندی، ابزار بیان در سه دسته جای می گیرد. دسته اول ابزار سنتی بیان می باشد که شامل کتاب، مطبوعات، آثار هنری، فیلم، نوار صوتی و امثال آن می گردد. دسته دوم، ابزار نوین ارتباطی از قبیل رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت است. دسته سوم متشکل از اعمال یا نمادهایی است که پیامی را منتقل می کنند ولی فاقد گفتارند. برخی از مفسران نظام اروپایی حقوق

بشر در تحلیل رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه آزادی بیان ابزار بیان را به دو دسته تقسیم کرده اند. ابزاری که اهمیت و موضوعیت مستقلی برای بیان دارند که شامل همان ابزار سنتی و ابزار نوین و نیز اعمال و نمادهایی می شود که عموماً یا مستقلاً برای بیان نظر و انتقال افکار، اندیشه ها و عواطف مورد استفاده قرار می گیرد و ابزاری که اهمیت مستقلی برای بیان ندارند و ممکن است برای اهداف دیگر نیز استفاده شود. به عنوان مثال، اقامت در یک کشور یا محل خاص را نمی توان ابزار مستقل بیان محسوب داشت مگر آنکه این اقامت تنها وسیله بیان نظر خاصی باشد یا اقامت کننده هیچ ابزار دیگری جز چنین اقامتی برای بیان در اختیار نداشته باشد. این تقسیم بندی برای تشخیص اعمال فاقد گفتار به عنوان ابزار بیان می تواند موضوعی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تبلیغاتی، تجاری، سرگرمی، ورزشی و ... باشد. حمایت از آزادی بیان اصولاً شامل بیان در همه حوزه ها می شود، گو اینکه محتوا و موضوع بیان می تواند در میزان حمایت یا اولویت بیان مورد توجه باشد. در واقع بعضی از نظریه پردازان آزادی بیان معتقدند انواع متفاوت بیان را نمی توان یکسان نگریند. مثلاً بیان سیاسی و حمایت از آن بسیار بیش از بیان تبلیغی که کالای خاصی را معرفی می کند برای جامعه اهمیت دارد. از این جهت ممکن است در اعمال محدودیت ها بر انواع بیان، محتوای بیان و اهمیت آن در چگونگی تفسیر محدودیت ها اثرگذار باشد.

نقش آزادی بیان در تقویت کپی رایت: آزادی بیان در تقویت کپی رایت نقش کلیدی دارد.

آزادی بیان با جلوگیری از مداخله ناروای دولت در قالب سرکوب یا سانسور بیان، زمینه خلق و توزیع

آثار مشمول کپی رایت را فراهم می سازد. اما آزادی بیان به خودی خود قادر به انجام چنین کارکردی نیست. اولین شرط ایفای این کار کرد، شناسایی مؤثر حق آزادی بیان در قانون داخلی یک کشور است. اجرای قوی و احترام شایسته به قوانین داخلی حامی آزادی بیان توسط ارکان اجرایی و قضایی شرط دیگر کارکرد تسهیل کننده خلق آثار فکری برای آزادی بیان است. اما در این میان، آنچه اهمیت فوق العاده ای دارد میزان توانایی حق آزادی بیان در جلوگیری از سانسور قبلی کتاب ها، نشریات، مطبوعات و نیز آثار هنری است. آیا حق آزادی بیان متضمن ممنوعیت سانسور قبلی بیان می باشد؟ یا آنکه دولت ها می توانند آثار بیانی را پیش از تولید با توزیع با محدودیت هایی مواجه سازند و از این طریق مانع انتشار آنها شوند؟ پاسخ به این سؤال، چندان آسان نیست. در دو سند بین المللی عام حقوق بشر، یعنی اعلامیه جهانی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی چنین ممنوعیتی وجود ندارد. در بین اسناد منطقه ای حقوق بشر، فقط کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به صراحت سانسور قبلی را منع می کند و تنها در مورد سرگرمی های عمومی و آن هم فقط به منظور تنظیم دسترسی به آنها برای حمایت اخلاقی کودکان و نوجوانان، وضع و تحمیل چنین سانسوری را مجاز می دارد. اما آیا فقدان مقررات صریح در اسناد بین المللی برای ممنوعیت سانسور قبلی به معنای اختیار و آزادی عمل دولت ها در برقراری نظام های کنترل آثار ادبی و هنری و به خصوص مطبوعات است؟

نقش کپی رایت در پیشبرد آزادی بیان: شاید در بادی امر چنین به نظر آید که کپی رایت نه تنها سهمی در پیشبرد و گسترش آزادی بیان ندارد بلکه با اعطای حق هایی انحصاری به پدید

آوردگان آثار بیانی، به عنوان مانعی بر سر راه آزادی افراد در بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود به گونه‌ای که مایل هستند عمل می‌کند. این گمان اولیه البته خالی از حقیقت نیست اما تأمل بیشتر در کارکرد کپی رایت واقعیت دیگری را هم آشکار می‌سازد و آن نقش کپی رایت در بسط ارزش‌ها و اهداف آزادی بیان و تعمیق و معنادار ساختن این حق بنیادی بشری است. کپی رایت چگونه این نقش را ایفا می‌کند؟ نظام حقوقی کپی رایت به دو طریق به رونق و گسترش آزادی بیان کمک می‌کند. افزایش کمی و کیفی تولید محصولات فکری و در نتیجه توزیع گسترده اطلاعات و بیان متنوع و کمک به استقلال نسبی پدید آوردگان آثار ادبی و هنری از دولت. کپی رایت این کارکردها را به ترتیب با ایجاد انگیزه برای خلق آثار فکری و اعطای حقوق انحصاری محدود اقتصادی به پدید آوردگان این آثار و تقویت جامعه مدنی خلاق انجام می‌دهد.

نتیجه گیری: احترام، حمایت و اجرای حق آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر از سوی کشورها، اگرچه از منظر برخی افراد ممکن است امری بدیهی به نظر برسد، اما تحقق آن به واقع مستلزم تأیید اصولی و توجیه مستدل و منطقی است. شناخت جایگاه والای آزادی بیان و مسئولیت ملی و بین‌المللی مربوط به صیانت از آن هم امکان تعرض و نقض خودسرانه را به حداقل رسانده و قانون‌گذار را از محدودساختن آن باز می‌دارد، هم اعمال هرگونه موازین حصری به این حق را امری استثنایی و تابع قیودات و توجیحات خاص می‌نماید. این شناخت در پرتوی آگاهی و عمل کشورها به تعهدات برخاسته از معاهدات بین‌المللی، حقوق عرفی بین‌المللی و قواعد آمره مرتبط با نسل اول حقوق بشر (حقوق مدنی-سیاسی)، به ویژه حق آزادی بیان حاصل می‌شود.

درباره رابطه آزادی بیان و کپی رایت نیز می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد: کپی رایت را می‌توان موتور محرک آزادی بیان دانست. کپی رایت از یک سو انگیزه لازم را برای پدید آوردن آثار فکری که همه عرصه‌های فرهنگی را در بر می‌گیرد فراهم می‌آورد. پدید آوردن آثار ادبی و هنری با اطمینان از تضمین حقوق مادی و معنوی خود به خلاقیت و تولید اثر رو می‌آورند و در نتیجه، آثار ادبی و هنری از نظر کیفیت و کمیت رشد پیدا می‌کند. از سوی دیگر، کپی رایت با اعطای حقوق انحصاری تکثیر و سایر انواع بهره‌برداری از آثار فکری به تقویت جامعه مدنی مستقل از دولت و نهادهای پر نفوذ اجتماعی و سیاسی که طیف گسترده‌ای از مردم را در خود جای می‌دهد کمک می‌کند. به این ترتیب کسانی که در صدد اعمال حق آزادی بیان هستند در فضایی مملو از

اندیشه و اطلاعات قادر خواهند بود با دسترسی به طیف متنوعی از آثار ادبی و هنری، نظر و دیدگاه خود را شکل داده و به بیان افکار و عقاید خود پردازند. آزادی بیان هم با زدودن شبح سانسور دولتی و هراس از تعقیب ناروا زمینه ساز رشد و تنوع آثار خلاق فکری مشمول کپی رایت است. البته کپی رایت و آزادی بیان ممکن است تعارض هایی هم داشته باشند که می تواند جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع:

کتابنامه

۱. گر، بادو (۱۳۸۰). الفبای حقوق پدیدآورنده، محمدرضا طریقی (مترجم)، خانه کتاب.

۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). آزادی، اندیشه و بیان.

۳. سلیمی، محمدمهدی (۱۳۹۴). حقوق بشر در اسلام و غرب، صحیفه الزهراء.

مقاله

انصاری، باقر (۱۳۹۴). "حمایت از حرمت اشخاص در برابر آزادی بیان". نشریه رسانه، شماره

پایان نامه

عبدالهیان، محمد (۱۳۹۴). "جایگاه آزادی بیان در نظریات شورای نگهبان"، کارشناسی ارشد،

دانشگاه شهید بهشتی

سایت

۱.

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/89/93/1237/%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF%DB%8C-%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D9%86>

۲.

https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF%DB%8C_%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D9%86